

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نعمت الله مختارزاده

۰۱ سپتمبر ۲۰۲۰

لکاج صلیب نغمه باقر شاعر آزاده و دولت دوست نهایت کراری و از جندم هم به ابدیت پیوست، روحش شاد و روحش قرین رحمت پروردگار

کعبه خاطر

لار که دلیم قلم، در پی آزادی تو بود
صبر لایب ز صبر شد در لای عزم
برن لایق تو معلوم بود بر کسی
حرچه میگرد رفیق، پاخ من بود به طمنه
حسن اخلاق تو سرشت لایان بود سر
حصد مندر تو، گلک، به دندان فلک
شونی ما که میان من و تو، بود غلیظ
لار که در دل و، لایسنه افغانستان
لار که پورتال وزین دل، بدم مار سوم
سه تفنگدار تو، بنده و، آقا سر خرفت
به مریضانی که لب تشنه شربت بودند
چه کدایانی که از لطف تو گردیده ملک
ناظما! رفیق و فروس برین جاسر تو باد
رفیق و قیمت باز لار سخن خورد، زمین
اولین بار به در دل من تک تک مهر
دست من بود به دست تو، که می اقدام
یا کار من تو، در کعبه خاطر، ما دل
بنده ما بر من و تو، درد زبان بهمان
می ندانم پی آزادی کی باشد پس ازین

پانغم، صبر و شکیبایی و لایق تو بود
نیش اشعار منت، شوخ و بختکار تو بود
طبع گشتنگ من، لار که کمد لار تو بود
خنده ما سر کلین، بر لب اشعار تو بود
همه جا صده، ز رفتار و زکر د لار تو بود
طاقت و تاب و توان، محبزه کار تو بود
تنخ و شیرین و کمی مرچ و کمد لار تو بود
جالب و خواندنی از طبع کعبه لار تو بود
ز رقابت، ز قضاوت به پیکار تو بود
خامه و بنده که در خانه، پرکار تو بود
ز سخاوت لقب من و خرد لار تو بود
چه غلامانی که باغچه عکد لار تو بود
جاسر دیکر بخدا، می نه سزاوار تو بود
یوسف مصر لادب، سخت خید لار تو بود
بحسب تقوی، ز دستبان بزرگوار تو بود
پاس رفیق، لار که کمد کوه لار تو بود
(نمیکه گاه سخن)، از مجمع اشعار تو بود
کونیاستن من افتاده به تلو لار تو بود
«نعمت» نکه که چون نکه عمل د لار تو بود